

Social Capital, Intermediary Institutions and Local Government A Case Study of Chabahar and Konarak Fisheries Industrial Cluster

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received:

Revised:

Accepted:

Published online:

Keywords:

industrial cluster,
social capital,
intermediary institutions,
embedded autonomous
government

ABSTRACT

Objective: In this research, by studying the status of social capital in the Chabahar and Konarak fisheries industrial cluster and its expected economic effects, the formation and effectiveness of social capital in this cluster are analyzed.

Method: The research method used was a combination of qualitative and quantitative methods, and in addition to studying relevant documents, 11 key informants were interviewed, and 61 questionnaires were completed by managers of the cluster's firms. The questionnaires were analyzed using SPSS, and the interviews were analyzed using thematic analysis.

Results: The status of trust as well as network relationships and participation in the cluster is slightly above average. However, these relationships and participation are not institutionalized and consolidated in the form of specialized organizations and associations. Therefore, social capital in the cluster is limited, porous, and fragile, and as a result, ineffective. The survey results did not show a significant relationship between social capital and (positive) economic effects. However, learning spin-off in the cluster is relatively well-positioned, and collective action and transaction costs are not well-positioned. Also, there is no significant evidence of power asymmetry within the fisheries cluster, and therefore we do not face negative consequences of social capital.

Conclusions: In conclusion, it can be said that the type of social capital in this cluster is average and mainly of the type of "bridging social capital". However, given that these trusts and connections are not institutionalized and consolidated in associations and consortia, firstly, and secondly, they are not developed vertically (in the value chain of the fisheries industry) and thirdly, it has remained stagnant at the national level and has not expanded at the transnational level, it can be concluded that this social capital is extremely limited and ineffective. This situation is due to the lack of benefit from the sea-oriented development model in the region, the lack of "embedded autonomous" government and the Passive industrial and commercial intermediary institutions in the region.

Cite this article: ??? (2024). Social Capital, Intermediary Institutions and Local Government: A Case Study of Chabahar and Konarak Fisheries Industrial Cluster). *Social Capital Management*.???, <http://doi.org/000000000000000000>

© The Author(s).

Publisher: University of Tehran

Press



DOI: <http://doi.org/000000000000000000000000>

سرمایه اجتماعی، نهادهای میانجی و دولت محلی

مطالعه موردی خوشه صنعتی شیلات چابهار و کنارک

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

متن چکیده

مقاله پژوهشی، مقاله مروری،

هدف: در این پژوهش با مطالعه وضعیت سرمایه اجتماعی در خوشه صنعتی شیلات چابهار و کنارک و آثار اقتصادی مورد انتظار از آن، کوشش شد موانع شکلگیری و اثربخشی سرمایه اجتماعی در این خوشه واکاوی شود.

روش پژوهش: روش پژوهش مورد استفاده تلفیقی از دو روش کیفی و کمی بود و علاوه بر مطالعه اسناد مرتبط، با ۱۱ نفر از افراد مطلع کلیدی مصاحبه شد و ۶۱ پرسشنامه نیز توسط مدیران واحدهای تولیدی خوشه تکمیل شد. تحلیل پرسشنامه‌ها با استفاده از SPSS و تحلیل مصاحبه‌ها با تحلیل تماتیک صورت گرفت.

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

یافته‌ها: مطابق یافته‌های پژوهش، وضعیت اعتماد و همچنین روابط و مشارکت شبکه‌ای در خوشه صنعتی شیلات چابهار و کنارک کمی بالاتر از حد متوسط است با این حال، این ارتباطها و مشارکتها در قالب تشکلهای انجمنهای تخصصی نهادینه و تثبیت نشده است. و لذا میتوان گفت سرمایه اجتماعی در خوشه محدود، متخلخل و شکننده و در نتیجه، غیراثربخش است. نتایج پیمایش، رابطه‌ای معنادار میان سرمایه اجتماعی و اثرات (مثبت) اقتصادی را نشان نداد. با این حال، یادگیری‌زایی در خوشه وضع نسبتاً مطلوبی دارد اما کنش‌های جمعی و هزینه‌معدلات وضع مناسبی ندارد. همچنین، شواهد قابل توجهی از عدم تقارن قدرت در درون خوشه شیلات بدست نیامد و لذا با پیامدهای منفی سرمایه اجتماعی مواجه نیستیم.

کلیدواژه‌ها:

نتیجه‌گیری: در جمع‌بندی می‌توان گفت نوع سرمایه اجتماعی در این خوشه در حد متوسط و عمدتاً از نوع "سرمایه اجتماعی برون‌گروهی" است. اما با توجه به اینکه این اعتمادها و ارتباطها اولاً در انجمنها و کنسرسیومها نهادینه و تثبیت نشده است، دوماً به صورت عمودی (در زنجیره ارزش صنعت شیلات) گسترش نیافته و سوماً، در سطح ملی متوقف مانده و در سطح فراملی گسترش نیافته، می‌توان نتیجه گرفت که این سرمایه اجتماعی به شدت محدود و غیراثربخش است. این وضعیت سرمایه اجتماعی در خوشه شیلات چابهار و کنارک ناشی از عدم بهره‌مندی از مدل توسعه دریا محور در منطقه، عدم «استقلال حکم شده» دولت و انفعال نهادهای میانجی صنعتی و بازرگانی در منطقه است.

خوشه صنعتی،

سرمایه اجتماعی،

نهادهای میانجی،

استقلال حکم شده دولت،

استناد:؟؟؟ (؟؟؟). سرمایه اجتماعی، نهادهای میانجی و دولت محلی: مطالعه موردی خوشه صنعتی شیلات چابهار و کنارک، مدیریت سرمایه اجتماعی،؟؟؟

<http://doi.org/000000000000000000000000>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه تهران.

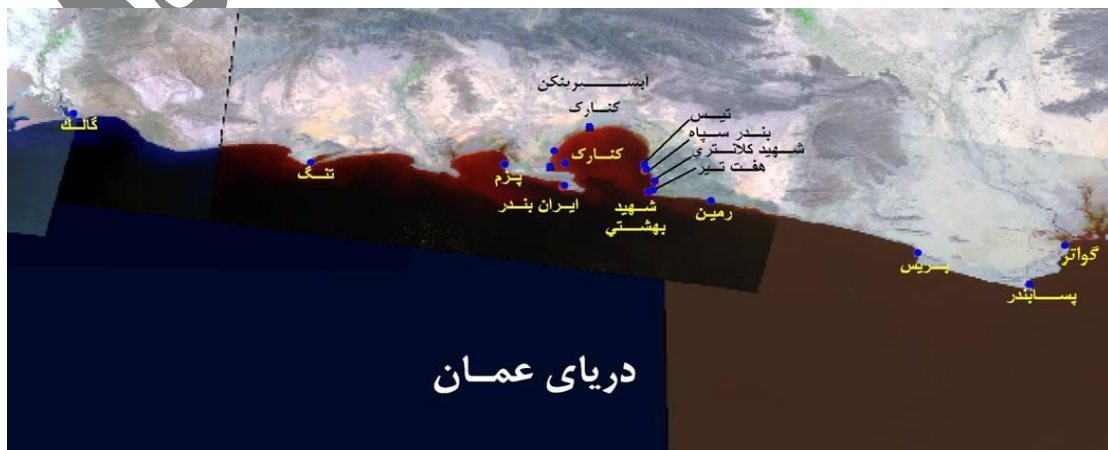
مقدمه

کسب و کارهایی که بتوانند در طول زمان خود را با شرایط تطبیق دهند و به ارتقای محصولات و عملکرد خود بپردازند، در نهایت بهره‌وری و کارایی بالاتری را تجربه خواهند کرد. اما بنگاهها و کسب و کارهای کوچک با مشکلات متعددی همچون کمبود نیروی کار با مهارت و متخصص، دسترسی دشوار به فناوری‌های جدید، مواد اولیه لازم برای تولید، بازار مناسب برای فروش، جذب تسهیلات مالی و ... مواجه هستند و همین مشکلات به عنوان موانعی برای افزایش توانایی رقابت آنها با بنگاه‌های بزرگ عمل می‌کند. برای غلبه بر این موانع، موضوع بهره‌گیری از مزیت تجمع این صنایع و کسب و کارها مورد توجه بوده و به ویژه در چند دهه گذشته این موضوع در قالب نواحی و خوشه‌های صنعتی و کسب و کار مورد توجه بسیاری از سیاستگذاران و دولت‌ها در کشورهای مختلف قرار

گرفته است و ادبیات تحقیق گسترده‌ای در این زمینه تولید شده است (گارسالیلو و همکاران ۲۰۱۸). این ادبیات از یکسو میزان و نوع سرمایه اجتماعی شکل گرفته در نواحی و خوشه‌های صنعتی و اثربخش بودن آن در جهت تحقق اهداف خوشه‌های صنعتی را مطالعه کرده‌اند (یول ضیا، بورتا و یانگ ۲۰۲۳؛ جینگ ۲۰۲۳) و از سوی دیگر، چگونگی نقش‌آفرینی و دخالت دولت‌ها در تقویت نواحی و خوشه‌های صنعتی و افزایش سرمایه اجتماعی درون آنها را بررسی کرده‌اند (کازنتسوا و همکاران ۲۰۲۲؛ آلینا و همکاران ۲۰۱۲).

در ایران هم از دو دهه پیش سیاست توسعه نواحی و خوشه‌های صنعتی مورد توجه قرار گرفته است و در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه مورد توجه قرار گرفته و از برنامه سوم توسعه تا کنون وزارت صمت و دیگر وزارتخانه‌های مرتبط موظف شده‌اند با هدف تقویت و توسعه خوشه‌های صنعتی مداخلاتی را در قالب «پروژه‌های خوشه‌های صنعتی» به پیش ببرند (هیأت وزیران، ۱۳۸۷ و ۱۴۰۴). بر این اساس، تا کنون از ۵۱۲ خوشه صنعتی شناسایی شده در کشور، پروژه توسعه ۱۴۵ خوشه صنعتی خاتمه یافته است و پروژه توسعه ۵۶ خوشه صنعتی در دست اجراست (سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، ۱۴۰۴: ۲۳). هرچند این پروژه‌های توسعه با فرض ضرورت و مثبت بودن دخالت دولت شکل گرفته‌اند، اما تا کنون مطالعه‌ای درباره اثربخشی این نوع و میزان از دخالت دولت در ایران یافت نشد (برای برخی مطالعات نزدیک به این موضوع نگاه کنید به: موبد و همکاران ۱۴۰۴؛ فرتاش ۱۴۰۰؛ دینی ترکمانی و همکاران ۱۳۹۹؛ منوریان و همکاران ۱۳۹۶؛ حمیدی مطلق و همکاران ۱۳۹۵؛ ابویی اردکان و همکاران ۱۳۹۳). همچنین، با اینکه افزایش سرمایه اجتماعی در خوشه همواره به عنوان یکی از اهداف اصلی این پروژه‌ها تعریف می‌شود، اما تا کنون تنها مطالعاتی پراکنده در مورد برخی خوشه‌ها انجام شده است (به عنوان نمونه نگاه کنید به: علی‌نژاد، و همکاران ۱۴۰۱؛ منتظری و همکاران ۱۳۹۵؛ کمالیان و همکاران ۱۳۹۳).

بر این اساس، در این مطالعه قصد داریم با تمرکز بر خوشه صنعتی شیلات چابهار و کنارک در استان سیستان و بلوچستان، هم میزان و نوع سرمایه اجتماعی موجود در این خوشه را بسنجیم و هم نوع و میزان اثربخشی دخالت دولت در این خوشه را که عمدتاً در قالب پروژه توسعه خوشه شیلات بین سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ انجام گرفت، واکاوی کنیم. تمرکز جغرافیایی این خوشه در سواحل دریای عمان و در شهرستان چابهار و کنارک است که از شرق‌ترین نقطه یعنی منطقه گواتر تا منطقه پزم به طول ۱۰۰ کیلومتر امتداد می‌یابد. در این خوشه ۷۵ واحد صنعتی و خدماتی شیلاتی شامل واحدهای کنسروسازی، تولید پودر ماهی، واحدهای بسته‌بندی ماهی و میگو، و واحد فرآوری ماهیان غیرمأکول قرار دارد. به جز یک واحد بزرگ کنسروسازی (با حدود ۶۰۰ نیروی کار)، تمام دیگر واحدها در این خوشه جزو واحدهای متوسط یا کوچک محسوب می‌شوند (با متوسط نیروی کار ۴۵ نفر برای کنسروسازی و ۱۵ نفر برای واحدهای فرآوری و مجموع حدود ۲۰۰۰ نفر اشتغال مستقیم). تمام واحدهای صنعتی خوشه خصوصی (غیردولتی و غیرتعاونی) است و اغلب مالکین واحدها نیز غیربومی منطقه هستند (اداره کل شیلات استان سیستان و بلوچستان، ۱۴۰۳؛ جدگال، ۱۳۹۴).



نقشه ۱: محدوده خوشه صنعتی شیلات چابهار و کنارک (منبع: جدگال، ۱۳۹۴)

با توجه به آنچه بیان شد، در این مقاله قصد داریم ضمن سنجش نوع و میزان سرمایه اجتماعی در خوشه صنعتی شیلات چابهار و کنارک و پیامدهای اقتصادی آن برای واحدهای واقع در این خوشه، نقش دولت و همچنین نقش نهادهای میانجی (انجمنهای تخصصی) را واکاوی کنیم و چالشها و موانع پیش روی این اثربخشی را بررسی کنیم. لذا سؤالات اصلی این تحقیق در رابطه با خوشه صنعتی شیلات چابهار و کنارک را می‌توان به صورت زیر صورتبندی نمود:

- ۱- وضعیت (نوع و میزان) سرمایه اجتماعی در خوشه و اثربخشی آن چگونه است؟
- ۲- نقش نهادهای میانجی در توسعه خوشه چیست؟
- ۳- نوع دخالت دولت در توسعه خوشه و میزان اثربخشی آن چگونه است؟

پیشینه پژوهش

۱- مطالعات داخلی

در ایران در سال‌های اخیر رابطه سرمایه اجتماعی و صنعت مورد توجه قرار گرفته است. سالار، اکبری و صدیق اورعی (۱۳۹۸) با بررسی داده‌های مربوط به توسعه صنعتی و سرمایه اجتماعی ۱۳۹ جامعه در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴، نشان دادند که سرمایه اجتماعی بعد از کیفیت نهادی مهمترین عامل مؤثر بر سطح توسعه‌یافتگی صنعتی در جوامع است. در واقع، سطوح بالای سرمایه اجتماعی با واسطه افزایش سطح سرمایه انسانی و تقویت کیفیت ساختار نهادی در جامعه بر توسعه صنعتی آن جامعه اثر مثبت می‌گذارد. منتظری، پسندی پور و علی‌رضایی (۱۳۹۵) با مطالعه کارکنان شرکت‌های کوچک و متوسط منطقه ویژه اقتصادی سیرجان نشان دادند که ابعاد ساختاری، رابطه‌ای و شناختی سرمایه اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیر مثبت را بر کارآفرینی سازمانی این کسب‌وکارها دارد. یافته‌های کمالیان، خودزاده و مهربان (۱۳۹۳) در مطالعه خوشه صنعتی شیلات چابهار نشان داد که ابعاد ساختاری، شناختی، ارتباطی سرمایه اجتماعی بر نوآوری کارآفرینانه مدیران تأثیر دارد. مهدوی و عزیزمحمملو (۱۳۹۲) با استفاده از داده‌های اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۴۵ نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی قادر است در بلندمدت بر بهبود فناوری در بخش صنعت تأثیر معناداری داشته باشد و از این طریق در تقویت رشد صنعتی مؤثر باشد. بر اساس نتایج مطالعه مهربانفر و آغاز (۱۳۹۲) در مورد کارکنان شرکت نفت و گاز پارس، سرمایه اجتماعی بر تسهیم دانش درون واحدی و میان واحدی مؤثر است. سعیدی و همکاران (۱۳۸۹) نیز با مطالعه میزان سرمایه اجتماعی در واحد تندر ایران خودرو نشان دادند که سرمایه اجتماعی در این واحد در حد متوسطی است و بین سابقه کار با سرمایه اجتماعی، اعتماد به مدیران و اعتماد نهادی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین بین سرمایه اجتماعی با نوآوری و نوآوردن سازمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۲- مطالعات خارجی

در دنیا مطالعات گوناگونی تأثیرات سرمایه اجتماعی در خوشه‌ها و نواحی صنعتی را بررسی کرده‌اند. برای مثال، یول ضیا، بوریتا و یانگ (۲۰۲۳) با مطالعه ۸۱ شرکت تولیدی در پاکستان نشان دادند که ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی (ابعاد ساختاری، رابطه‌ای و شناختی) بین شرکت‌ها قابلیت نوآوری آنها را تقویت کرده و آمادگی آنها را برای صنعت ۴,۰ افزایش می‌دهد. سنچز-گارسیا و همکاران (۲۰۲۴) با مطالعه بخش انرژی اسپانیا نشان دادند که موقعیت مکانی کسب‌وکار در محیط‌های تخصصی، به ویژه از نظر نوآوری، برای شرکت‌ها از اهمیت استراتژیک برخوردار است و سرمایه اجتماعی نقش واسطه‌ای مهمی میان تمرکز صنعتی در

خوشه‌های صنعتی و عملکرد نوآورانه شرکت‌ها دارد. بنا بر مطالعه جینگ (۲۰۲۳) در خوشه صنعت چای در استان آنهوی چین، سرمایه اجتماعی انباشته شده در خوشه‌ها می‌تواند رفتار تعاونی بین افراد در خوشه‌ها را ارتقا دهد. خان و همکاران (۲۰۲۱) بر اساس پیمایش از ۵۲۱ نفر از مدیران و صاحبان شرکت‌های کوچک و متوسط بخش ICT نشان دادند که سرمایه اجتماعی بر نوآوری مدل کسب و کار تأثیر می‌گذارد. مازوچلی و همکاران (۲۰۲۱) بر اساس پیمایش آنلاین از ۲۶۵ مدیر تحقیق و توسعه در SME های تولیدی ایتالیایی، نقش حیاتی سرمایه اجتماعی ساختاری را در افزایش اشتراک‌گذاری دانش و قابلیت‌های نوآوری آشکار کردند. ستینی و همکاران (۲۰۲۰) بر اساس پیمایشی از ۲۰۰ زن کارآفرین در بالی اندونزی نشان دادند که سرمایه اجتماعی تأثیر مثبتی بر عملکرد تجاری آنان دارد، با این حال، عدم تضمین برای دریافت سرمایه و عدم مهارت‌های کارآفرینی در عصر فناوری و همچنین این دیدگاه که مردان باید از نظر فرهنگ و آداب و رسوم بالی برتر باشند، باعث می‌شود که کسب و کار برای زنان کارآفرین محدود شود. بنا بر یافته‌های میسری و چندرا (۲۰۲۰) که از یک متاآنالیز مطالعات قبلی بدست آمده، هر چند برای برخی از سازمان‌ها، دانش عمدتاً از طریق تحقیق و توسعه سازمان داخلی به دست می‌آید، اما صنایع خلاق عمدتاً به دانشی نیاز دارد که از سرمایه اجتماعی محیط اجتماعی و جامعه مشتق شده باشد. ایسمون و همکاران (۲۰۱۹) بر اساس پیمایشی از مدیران ارشد شرکت‌های صادرکننده در غنا نشان دادند که سرمایه اجتماعی شرکت‌های کوچک و متوسط از طریق افزایش قابلیت‌های نوآوری و بازاریابی آنها، بیشترین تأثیر را بر عملکرد صادراتی آنها دارند. تورس و همکاران (۲۰۱۸) با مطالعه کسب و کارهایی متأثر از توفان کاترینا (سال ۲۰۰۵ در امریکا)، نشان دادند که سرمایه اجتماعی، به ویژه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و سرمایه اجتماعی پیوندی-ارتباط با نهادها- یک دارایی کلیدی برای تاب‌آوری بلندمدت کسب‌وکارهای کوچک به ویژه در مواجهه با یک فاجعه طبیعی است. برخی از مطالعات نیز نشان داده‌اند که درباره نقش سرمایه اجتماعی در خوشه‌ها و نواحی صنعتی باید با احتیاط مواجه شد. به عنوان مثال، دی وان، فرنکن و بوشما (۲۰۱۹) با استفاده از داده‌های مربوط به ۱۶۸۴ شرکت در صنعت بازی‌های ویدیویی ایالات متحده برای دوره ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۷، نشان دادند که سطوح بالای سرمایه اجتماعی، هم‌نوییی در ارزش‌ها و ایده‌ها را تقویت کرده و مانع از فعالیت‌های کارآفرینانه جدید می‌شود. مولینا-مورالس و همکاران (۲۰۰۹) با مطالعه ۱۵۴ شرکت واقع در منطقه والنسیا اسپانیا نشان می‌دهند که تأثیر سرمایه اجتماعی از یک نقطه خاص به بعد، کاهش می‌یابد. به بیان آنان، تأثیر تعاملات اجتماعی و اعتماد بر ایجاد ارزش شرکت را می‌توان به عنوان یک منحنی U شکل معکوس توصیف کرد. سندی و ریتولد (۲۰۰۱) با مطالعه یک خوشه کاشی در اندونزی نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی می‌تواند به نفع سلسله‌مراتب سنتی در خوشه عمل کند.

مبانی نظری و مفهومی

سرمایه اجتماعی اولین بار از سوی جامعه‌شناسانی چون پیر بوردیو (۱۹۸۰)، جیمز کلمن (۱۹۹۰) و رابرت پاتنام (۱۹۹۳) و فوکویا (۱۹۹۵) مطرح شد و با ورودش به مباحث مربوط به توسعه اقتصادی و صنعتی، به عنوان یک «حلقه مفقوده» در تحلیل اقتصادی مورد استقبال قرار گرفت. دو دسته تعریف از سرمایه اجتماعی وجود دارد: در دسته اول به تبعیت از پاتنام و فوکویا، سرمایه اجتماعی عمدتاً ماهیت فرهنگی می‌یابد و معادل فرهنگ همکاری و اعتماد و مدنیت تعریف می‌شود و ریشه‌های آن در تاریخ هر منطقه جستجو می‌شود. در دسته دوم به تبعیت از کلمن (۱۹۹۰)، سرمایه اجتماعی عمدتاً ماهیت اجتماعی می‌یابد و به عنوان مجموعه‌ای از روابط اجتماعی یا به مثابه به رسمیت شناختن اصل «روابط مهم است» (فیلد، ۲۰۰۳: ۱)، در نظر گرفته می‌شود (نورینگا و استائرن ۲۰۰۶؛ تریگیلیا ۲۰۰۱). البته در مورد کیفیت روابط اجتماعی و نقش آن در اثربخش بودن سرمایه اجتماعی، دو دیدگاه شکل گرفته است: دیدگاه اول بر نظریه «سرمایه اجتماعی» کلمن (۱۹۸۸) متکی است و بر این فرض مبتنی است که شبکه‌های مترکبم، اعتماد و همکاری را بین اعضای خود تقویت می‌کنند. بنابراین، کارآفرینانی که در شبکه‌های اجتماعی منسجم قرار دارند، احتمال بیشتری دارد که به منابع مختلف دسترسی داشته باشند (اوزدمیر ۲۰۰۰؛ الفرینگ و هولسینک ۲۰۰۷؛

راولی و همکاران (۲۰۱۶). البته در این دیدگاه، بر این نکته تأکید می‌شود که اثرات مثبت تراکم و انسجام روابط فقط تا یک آستانه خاص افزایش می‌یابد و پس از آن ممکن است مضر باشد و شبکه را دچار «ففل‌شدگی» کند (اوزی ۱۹۹۷؛ سوفر و شنل ۲۰۰۲). دیدگاه دوم از نظریه «قدرت پیوندهای ضعیف» گرانووتر (۱۹۸۵) و نظریه «حفره‌های ساختاری» برت (۱۹۹۲، ۲۰۰۵) سرچشمه می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه، کارآفرینانی که در شبکه‌هایی با «پیوندهای ضعیف» فراوان و «حفره‌های ساختاری» زیاد فعالند، از مزیتی بزرگ به نام «واسطه‌گری» بهره‌مندند. آنها می‌توانند اطلاعات جدید و غیر تکراری، ایده‌های نوآورانه و منابع مناسب را از شبکه‌های ضعیف اما متعدد خود کسب کنند که دیگران به آن دسترسی ندارند (نوزاوا و کانگ ۲۰۲۵؛ یاتس و همکاران ۲۰۲۴).

دیدگاه اول بر اهمیت سرمایه اجتماعی درون گروهی تأکید می‌کند و دیدگاه دوم بر اهمیت سرمایه اجتماعی برون گروهی^۳. گروه‌های دارای سرمایه اجتماعی درون گروهی بر اساس خویشاوندی، مذهب، قومیت، طبقه، جنسیت و جغرافیا شکل می‌گیرند و از این رو، رابطه آنها با بازار نیز اغلب در طول این خطوط مشخص می‌شود و لذا ممکن است برای ورود افراد خارج از گروه به بازار موانعی ایجاد کنند. این ویژگی برای تخصیص منابع ناکارآمد است. اما وجود این نوع سرمایه اجتماعی در محیط‌هایی که با ناپایداری سیاسی بالا، بی‌ثباتی کلان اقتصادی و چارچوب نهادی محدود روبه‌رو است، می‌تواند بخشی از ناکارآمدی اقتصادی گسترده را جبران کند. سرمایه اجتماعی برون گروهی به روابط اجتماعی تعمیم یافته‌ای فراتر از گروه‌هایی مانند خانواده‌ها، گروه‌های قومی، طبقه و امثالهم اشاره دارد. به عبارت دیگر، در سرمایه اجتماعی برون گروهی، پیوندهایی ضعیف و در سطح میانی و کلان یک کشور به وجود می‌آید. چنین روابطی اغلب هم به صورت افقی - با ایجاد شبکه‌هایی میان افراد و سازمان‌های دارای ارتباط ضعیف - و هم به صورت عمودی - بین حلقه‌های سلسله‌مراتبی یا موقتی مثل زنجیره ارزش - پدیدار می‌شود. سرمایه اجتماعی برون گروهی چیزی را تولید می‌کند که اعتماد تعمیم یافته نامیده می‌شود. این نوع سرمایه اجتماعی تنها در یک محیط سیاسی مساعد و باثبات امکان پذیر است. با این حال، این دو دسته سرمایه اجتماعی، جمع‌ناپذیر نیستند. اقتصاد به هر دو نوع سرمایه اجتماعی نیاز دارد. سطح حداقلی از سرمایه اجتماعی درون گروهی نیاز است تا سرمایه اجتماعی برون گروهی ایجاد شود. سرمایه اجتماعی درون گروهی با ایجاد و بازتولید قابلیت‌های اجتماعی خاص مانند قابلیت اعتماد، تعاملات اجتماعی، وفاداری و مسئولیت را ایجاد می‌کند و سرمایه اجتماعی برون گروهی بر اساس این قابلیت‌های اجتماعی ایجاد می‌شود. در واقع، با تجربه کردن اعتماد و مسئولیت در درون گروه‌ها، افراد می‌توانند این ارزش‌ها را به افراد خارج از گروه خود منتقل کنند (نورینگا و استورن ۲۰۱۴: ۳۴-۴۱).

در ادبیات مربوط به رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی دو رویکرد از هم قابل تفکیک است: الف) رویکرد ادغام‌گرا^۴ که سعی دارد سرمایه اجتماعی را در نظریه اقتصادی جریان اصلی و تحلیل تجربی مرسوم ادغام کند؛ در این رویکرد، سرمایه اجتماعی مفهوم تحلیلی جایگزین برای تحلیل اقتصادی نیست، بلکه در چارچوب اقتصادی موجود جای می‌گیرد. از آنجا که بخش عمده‌ای از اقتصاد به فردگرایی روش شناختی پایبند است، این رویکرد نیز سرمایه اجتماعی را با روش‌شناسی فردگرایانه، یعنی به‌عنوان یک دارایی یا ویژگی افراد در نظر می‌گیرد. در چنین چارچوبی، اثرات سرمایه اجتماعی بر اجتماعات، سازمان‌ها و کشورها از انتخاب‌های عقلانی افراد نشأت می‌گیرد. ب) رویکرد جایگزین^۵ که در آن، نگاه فردگرایی روش شناختی به سرمایه اجتماعی رد می‌شود و اساس هستی‌شناسی سرمایه اجتماعی، اجتماعی در نظر گرفته می‌شود نه فردی. لذا در اینجا سرمایه اجتماعی نه در مطلوبیت فردی بلکه روابط اجتماعی در جوامع و روابط شبکه‌ای بین افراد و گروه‌هایی که بیانگر ارزش‌های پایه مشترک هستند،

¹ structural holes

² Bonding social capital

³ Bridging social capital

⁴ integrationist approach

⁵ alternative approach

جستجو می‌شود. همچنین در این رویکرد، سرمایه اجتماعی نه در خلأ اجتماعی بلکه در بستر اجتماعی که این نوع سرمایه در آن متبلور می‌شود، مطالعه می‌شود. بر این اساس، بر این نکته تأکید می‌شود که سرمایه اجتماعی نه تنها می‌تواند سود داشته باشد بلکه بر اساس میزان نامتقارن بودن قدرت در هر بستر اجتماعی و میزان محرومیت، کنترل و نابرابری ناشی از آن، سرمایه اجتماعی می‌تواند زیان‌آور نیز باشد (همان، ۳-۱۵)

توجه به بستر اجتماعی و تقارن/عدم تقارن قدرت در آن بستر، توجه پژوهشگران سرمایه اجتماعی را به نقش دولت در این میان و اینکه چگونه روابط دولت-اقتصاد بر فرصت‌های ایجاد سرمایه اجتماعی در بخشی خاص تأثیر می‌گذارد، سوق داده است. در اینجا دیدگاه پیتر اوانز (۱۹۹۵ [۱۳۸۹]، ۱۹۹۶، ۲۰۲۳؛ اوانز و هلر ۲۰۱۸) به عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان در این موضوع را به عنوان دیدگاه مختار این پژوهش مرور می‌کنیم. به تعبیر اوانز، در کشورهای توسعه‌نیافته که قاعده کلی عبارت است از «ساختارهای اجتماعی به شدت نابرابری که توسط دستگاه‌های دولتی شکننده و تکه‌تکه اداره می‌شوند» (اوانز ۱۹۹۶: ۱۱۲۹)، عامل محدودکننده کلیدی نه سرمایه اجتماعی در سطح خرد، بلکه فقدان ارتقای سرمایه اجتماعی سطح خرد به سرمایه اجتماعی سطح متوسط و (به‌ویژه از نظر او) سرمایه اجتماعی سطح کلان است. لذا وی، راه‌حل رفع این مشکل را «... مجموعه‌ای مؤثر و فعال از نهادهای عمومی را که موجب ارتقای سرمایه اجتماعی می‌شوند...» می‌داند. به تعبیر دیگر، سرمایه اجتماعی‌ای بیش‌ترین اهمیت را برای تحول صنعتی دارد که «در شبکه‌هایی شکل گرفته باشد که نه عمومی‌اند و نه خصوصی بلکه شکاف بین دو حوزه را پر می‌کنند... و از فساد بیش از حد و رانت‌جویی و حذف اجتناب می‌کنند» (اوانز ۱۹۹۶: ۱۱۲۲-۱۱۲۵). در راستای شکل‌گیری این نوع سرمایه اجتماعی، او بر ویژگی «استقلال حک شده» دولت («استقلال دولت» همراه با «حک شدگی دولت در جامعه») تأکید دارد. مفهوم «استقلال» به دولت دیوانسالار و تحول‌گرایی اشاره دارد که دارای انسجام و یکپارچگی درونی کافی باشد و از دیوانسالاران شایسته و بانگیزه و توانمند در ارتباط‌گیری با بخش خصوصی برخوردار باشد (اوانز بر در اینجا بر الگوی دیوانسالاری وبری تأکید دارد). و مفهوم «حک‌شدگی» به معنای این است که دولت دارای پیوندهای اجتماعی نیرومند و شفاف با جامعه و گروه‌های اجتماعی قدرتمند باشد و مجراهای نهادی لازم را برای مذاکرات مستمر عمومی درباره خط‌مشی‌های دولت فراهم کند و از این طریق، پروژه‌های مشترکی را با جامعه و به‌ویژه بخش خصوصی پیشرو پیش ببرد، بی‌آنکه زمینه فساد و ویژه‌خواری را فراهم نماید (اوانز ۱۳۸۹: ۴۵-۴۶ و ۸۹). به تعبیر اوانز، «برای اینکه دولت بتواند توسعه صنعتی را تقویت کند، نهادهای دولتی باید انسجام و یکپارچگی کافی داشته باشند تا صرفاً به خواسته‌های سرمایه‌داران منفرد پاسخ ندهند. در عین حال، دولت باید به اندازه کافی با کارآفرینان صنعتی مرتبط باشد تا اطلاعات کافی درباره چالش‌های صنعتی پیش‌رو کسب نماید و از آنها برای تصمیم‌گیری‌های مشترک بهره‌مند شود» (اوانز ۲۰۲۳: ۴). اوانز هر چند در سال‌های بعد با پرورش ایده «دولت توسعه‌گرای قرن بیست‌ویکم»، افزایش قابلیت‌های انسانی و پیوند دولت با گستره وسیع‌تری از جامعه را (به جای تأکید صرف بر تحول صنعتی و تأکید بر پیوند دولت با سرمایه‌داران صنعتی) در اولویت خود قرار داد، اما همچنان بر ایده اصلی خود مبنی بر ضرورت انسجام و یکپارچگی درونی دولت و پیوند آن با جامعه پایبند ماند (همان، ۷). ایده «استقلال حک‌شده دولت» اوانز در دو دهه اخیر مورد توجه محققان زیادی قرار گرفته است و علاوه بر اینکه تلاش‌هایی برای پرورش و جرح و تعدیل آن صورت گرفته است (برای نمونه نگاه کنید به: فانگ ۲۰۱۹؛ لیو و سینگ ۲۰۲۱)، بسیاری از محققان این نظریه را برای فهم و تبیین چرایی موفقیت برخی دولت‌ها در زمینه صنعتی شدن یا برخی دیگر از اقدامات ملی به کار برده‌اند (جاکوبز ۲۰۰۳؛ سوئرز ۲۰۰۷؛ کلارک و روسالز ۲۰۲۳؛ چن ۲۰۲۰؛ موچلیس و ابراهیم ۲۰۲۵)

روش پژوهش

¹ embedded autonomy

پژوهش حاضر از تلفیق دو روش کیفی و کمی استفاده می‌نماید. از میان چهار الگوی تلفیق دو رویکرد کمی و کیفی (فیلیک، ۱۳۹۱: ۴۰)، در این تحقیق از الگوی زیر تبعیت شده است:

(۱) مطالعه کیفی (اکتشافی) - مطالعه کمی (پرسشنامه) - مطالعه کیفی (تعمیق و ارزیابی نتایج)

در گام اول، علاوه بر مطالعه اسناد مرتبط (از جمله گزارش پایانی پروژه خوشه شیلات، گزارش مطالعه اولیه کنسرسیوم صادراتی محصولات خوشه، گزارش‌های تهیه شده توسط سازمان شیلات ایران و ...)، چند مصاحبه با افراد مطلع کلیدی صورت گرفت. در گام دوم (مطالعه کمی)، از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. در گام سوم و به منظور تعمیق و ارزیابی نتایج حاصل شده از دو گام نخست، چند مصاحبه تکمیلی انجام شد.

در بخش مطالعه کمی، جامعه آماری عبارت بود از کلیه مالکان و مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره واحدهای تولیدی شیلات چابهار و کنارک و نمونه آماری به صورت تمام‌شماری بود؛ یعنی پرسشنامه آنلاین (لینک پسرالین) برای افراد یادشده بالا ارسال شد و در مجموع ۶۱ نفر پرسشنامه را تکمیل کردند که ۲۰ درصد آنها مالک واحد تولیدی، ۲۰ درصد مدیر عامل، ۱۵ درصد عضو هیأت مدیره و مابقی مدیر داخلی واحدهای تولیدی بودند. ۶۱ درصد پاسخگویان از واحدهای کنسرسیومی، ۲۰ درصد از واحدهای فرآوری ماهی و میگو، ۱۳ درصد از واحدهای تولیدکننده پودر ماهی، و ۶ درصد تولیدکننده سایر فرآورده‌ها و محصولات شیلاتی بودند. برای طراحی پرسشنامه از مدل بومی شده پرسشنامه یونیدو درباره سنجش سرمایه اجتماعی استفاده شد (نورینگا و استورن، ۱۴۰۳). برای اعتبار سنجی این نسخه بومی شده، پرسشنامه برای تعدادی از پژوهشگران و مطلعان صنعت شیلات ارسال شد و مورد تأیید آنان قرار گرفت. در این پرسشنامه، سرمایه اجتماعی به دو بُعد «اعتماد» و «روابط اجتماعی» تقسیم شد: بُعد اعتماد شامل اعتماد به عموم مردم و افراد ناشناس در محیط کسب‌وکار و اعتماد به واحدهای تولیدی در خوشه؛ و بُعد روابط اجتماعی شامل مشارکت شبکه‌ای و عضویت انجمنی. همچنین، اثرات اقتصادی سرمایه اجتماعی در سه دسته قرار گرفت. کاهش هزینه‌های معامله؛ تقویت کنش جمعی؛ و ایجاد زایش‌های یادگیری^۱. برای سنجش کاهش هزینه‌های معامله از متغیر مقدار نسبی پول و زمان صرف شده برای موارد زیر استفاده شد: (۱) پیدا کردن تأمین‌کنندگان یا خریداران جایگزین؛ (۲) رصد رضایت شرکای معامله؛ (۳) دستیابی به عوامل تولید. برای سنجش کنش جمعی از موارد زیر استفاده شد: (۱) همکاری با تولیدکنندگان دیگر در زمینه تبادل اطلاعات؛ (۲) اشتراک‌گذاری ماشین‌آلات و ابزار؛ (۳) خرید مشترک؛ (۴) بازاریابی مشترک؛ (۵) توسعه محصولات مشترک؛ (۶) لابی‌گری جمعی با دولت محلی. یادگیری زایشی بر اساس استفاده واحدهای تولیدی از نظرات سایر واحدهای تولیدی، نظرات سازمان‌های حمایتی و باوجود از خریداران برای بهبود واحد خود سنجیده شد. رابطه واحدهای تولیدی با دولت در دو بُعد مورد سنجش قرار گرفت: (۱) اعتماد واحدهای تولیدی به دولت (محلی)؛ (۲) روابط واحدهای تولیدی با دولت (محلی). تحلیل پرسشنامه‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت.

در بخش مطالعه کیفی، جامعه آماری عبارت بود از کلیه مطلعان کلیدی خوشه شیلات چابهار و کنارک شامل عامل توسعه خوشه و مدیران ادارات دولتی مرتبط (از جمله اداره شیلات و شرکت شهرکهای صنعتی سیستان و بلوچستان) و مالکان، مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره واحدهای تولیدی شیلات چابهار و کنارک و پژوهشگران و اساتید مرتبط دانشگاه‌های منطقه. در اینجا انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند و با روش گلوله‌برفی صورت گرفت و تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت و در مجموع، ۱۱ مصاحبه انجام شد. مصاحبه‌ها به صورت حضوری - آنلاین بود و بین نیم ساعت تا یک ساعت و نیم طول کشید. سوالات مصاحبه علاوه بر تاریخچه تشکیل خوشه شیلات در منطقه، درباره وضعیت سرمایه اجتماعی (به ویژه اعتماد و روابط اجتماعی) در میان واحدهای تولیدی، میزان اعتماد و ارتباط با مسئولان دولتی، و وضع اقدامات جمعی و تشکیل انجمن تخصصی شیلات و موانع شکل‌گیری آن بود. تمام مصاحبه‌ها ضبط و به طور کامل پیاده شد. داده‌های کیفی با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون (براون و کلارک ۲۰۰۶) تجزیه و تحلیل شدند که شامل «تولید کدهای باز»، «جستجوی مضامین فرعی» و «تدوین مضامین اصلی» است.

^۱ learning spin-offs

برای اطمینان از اعتبار تحلیل بخش کیفی، چندین استراتژی در طول فرآیند به کار گرفته شد از جمله تعامل طولانی مدت با داده‌ها، یادداشت‌نویسی برای مستندسازی کدها و مضامین نوظهور، و ایجاد اجماع در بین تیم تحقیق در مورد توسعه مضامین.

ردیف	مصاحبه‌شوندگان	سن	تحصیلات	شغل یا سمت
1	مصاحبه‌شونده ۱	۳۹	لیسانس علوم سیاسی	مدیر اداره دولتی
2	مصاحبه‌شونده ۲	۴۸	فوق لیسانس زیست‌شناسی	مدیر اداره دولتی
3	مصاحبه‌شونده ۳	۳۵	فوق لیسانس اقتصاد	کارشناس اداره دولتی
4	مصاحبه‌شونده ۴	۳۶	دانشجوی دکترای شیلات	کارشناس اداره دولتی
5	مصاحبه‌شونده ۵	۴۰	دکترای شیلات و محیط‌زیست	استاد دانشگاه آزاد چابهار
6	مصاحبه‌شونده ۶	۴۲	دکترای شیلات	استاد دانشگاه آزاد چابهار
7	مصاحبه‌شونده ۷	۴۲	فوق لیسانس شیلات	مدیرعامل واحد تولیدی
8	مصاحبه‌شونده ۸	۵۱	فوق لیسانس مکانیک	مدیرعامل واحد تولیدی
9	مصاحبه‌شونده ۹	۴۸	فوق لیسانس مدیریت	مدیرعامل واحد تولیدی
10	مصاحبه‌شونده ۱۰	۳۵	فوق لیسانس مدیریت	مدیرعامل واحد تولیدی
11	مصاحبه‌شونده ۱۱	۴۵	فوق لیسانس مدیریت	مدیرعامل واحد تولیدی

جدول ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

یافته‌های پژوهش

یافته‌های بخش کمی (پیمایش)

الف - سرمايه اجتماعي: بر اساس یافته‌های پیمایش، اعتماد عمومی صنعتگران شیلات منطقه کمتر از حد متوسط است (۲/۴۴ از ۵) و این یافته همراستا با یافته‌های دیگر پژوهش‌های سطح ملی است که نشان‌دهنده کاهش اعتماد عمومی در کشور در سالهای اخیر است. بر همین اساس، صنعتگران اعتماد به افراد ناشناس در کسب و کار خود را نیز کمتر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند (۲/۲۸ از ۵). با این حال، وضعیت اعتماد در میان کشتگران صنعت شیلات منطقه، یعنی میان صنعتگران از یکسو و فروشندگان مواد اولیه و خریداران محصولات از سوی دیگر، بالاتر از حد متوسط است (میانگین اعتماد به فروشندگان ماهی و میگو ۳/۵۲ و اعتماد به خریداران محصولات ۳/۴۳). در همین راستاست که صنعتگران احتمال سوءاستفاده مشتریان اصلی خود را کم ارزیابی کرده‌اند (۱/۹۷ از ۵). نتایج یافته‌های پیمایش نشان می‌دهد که مشارکت شبکه‌ای در صنایع شیلات منطقه کمی بالاتر از حد میانگین است به طوری که میانگین احساس تعلق پاسخگویان به اجتماع شیلاتی منطقه ۳/۴۸ و احساس همفکری میان تولیدکنندگان در منطقه ۳/۱۱ است. همچنین میانگین میزان گفتگوهای غیررسمی پاسخگویان در مورد تجارت شیلات در منطقه ۳/۳ اظهار شده است. با این حال، اغلب پاسخگویان اعلام کردند که پیگیری چندان برای شکل‌گیری انجمن و کنسرسیوم انجام نداده‌اند (میانگین میزان پیگیری ۲/۶۴ از ۵).

میانگین اعتماد به عموم مردم (۱-۵)	
۲,۴۴	اعتماد به عموم مردم
۲,۲۸	اعتماد به افراد ناشناس در کسب‌وکار
میانگین اعتماد میان واحدهای تولیدی (۱-۵)	
۳,۵	جذب نیروی کار از پیشینه قومی و طایفه‌ای دیگر
۳,۵۲	اعتماد فروشندگان ماهی و میگو
۳,۴۳	اعتماد به خریداران محصولات

^۱ همه میانگینها بر در بازه عدد ۱ (خیلی کم) تا عدد ۵ (خیلی زیاد) محاسبه شده‌اند.

۳,۴۴	اعتماد به غریبه‌ها پس از مدتی تجارت خوب با آنها
۱,۹۷	احتمال سوءاستفاده مشتری اصلی
۳,۴۳	میانگین اعتماد میان واحدهای تولیدی
میانگین روابط اجتماعی (مشارکت شبکه‌ای) (۱-۵)	
۳,۴۸	احساس تعلق به جامعه شیلات منطقه
۳,۸۵	تمایل به تجارت با گروه‌های غیر خویشاوندی
۳,۱۱	احساس بودن بخشی از یک گروه غیررسمی تولیدکنندگان همفکر
۳,۳۰	امکان گفتگو با دوستان خود در مورد تجارت شیلات
۳,۴۳	میانگین روابط اجتماعی (مشارکت شبکه‌ای)
میانگین روابط اجتماعی (عضویت انجمنی) (۱-۵)	
۲,۶۱	میزان پیگیری برای تشکیل انجمن صنایع شیلات در منطقه
۲,۶۷	میزان پیگیری برای تشکیل کنسرسیوم صادرات محصولات شیلات
۲,۶۴	میانگین روابط اجتماعی (عضویت انجمنی)

جدول ۲: سرمایه اجتماعی (اعتماد و روابط اجتماعی)

در ارتباط با اعتماد صنعتگران به دولت و ارزیابی توانمندی و هماهنگی دولت (به ویژه دولت محلی منطقه)، یافته‌های پیمایش نشان از وضعیتی دوگانه و تناقض‌آمیز دارد. از یکسو، اعتماد به قول‌ها و تصمیمات دولتی در حد متوسط (۲,۹۹ از ۵)، توانمندی و هماهنگی دستگاه‌های دولتی محلی بالاتر از متوسط (۳,۸ از ۵) و عملکرد دولت در اجرای پروژه خوشه شیلات نیز خوب ارزیابی شده است (۳,۹۵ از ۵). اما پاسخگویان شانس گرفتن حق خویش از فرد کلاهبردار (از طریق دادگاه) را ضعیف (۲,۶ از ۵) و وضعیت رانت و فساد در صنعت شیلات منطقه را بالاتر از متوسط ارزیابی کرده‌اند (۳,۶۱ از ۵). به عبارت دیگر، ۵۴ درصد پاسخگویان امکان گرفتن حق خویش از فرد کلاهبردار (از طریق دادگاه) را کم و خیلی کم و فقط ۱۸ درصد این امکان را زیاد یا خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. و ۴۹ درصد پاسخگویان میزان رانت و فساد در صنعت شیلات منطقه را زیاد و خیلی زیاد و ۱۹ درصد این میزان را کم یا خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. در این زمینه، میانگین ارتباط با مسئولان و دستگاه‌های دولتی منطقه ۳,۳۱ (از ۵) و میانگین همکاری با پروژه خوشه شیلات ۳,۴۴ اعلان شده است.

میانگین اعتماد به دولت (محلی) (۱-۵)	
۲,۶	امکان گرفتن حق خویش از فرد کلاهبردار (از طریق دادگاه)
۳,۸	توانمندی و هماهنگی دستگاه‌های دولتی
۳,۶۱	رانت و فساد در صنعت شیلات منطقه
۲,۵۹	اعتماد به قول‌ها و تصمیمات دولتی
۳,۹۵	ارزیابی موفقیت دولت در اجرای موفق پروژه خوشه شیلات
۲,۹۹	میانگین اعتماد به دولت محلی
میانگین رابطه با دولت (محلی) (۱-۵)	
۳,۳۱	ارتباط با مسئولان و دستگاه‌های دولتی منطقه
۳,۴۴	همکاری با پروژه خوشه شیلات منطقه

جدول ۳: اعتماد به و ارتباط با دولت محلی

ب- پیامدهای (مثبت) اقتصادی سرمایه اجتماعی: یافته‌های پیمایش نشان می‌دهد که پاسخگویان در مجموع هزینه‌های معامله در منطقه را بالاتر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند؛ از جمله زمان صرف‌شده برای جستجوی تأمین‌کننده یا خریدار جدید، زمان صرف‌شده برای کسب اعتبار، و زمان صرف‌شده برای بررسی عمل شرکای تجاری به وعده‌های خود بیشتر از حد میانگین ارزیابی شده است (بین ۳/۳۱ تا ۳/۸). بر اساس نتایج یافته‌های پیمایش، وضعیت کنش جمعی در میان تولیدکنندگان محصولات شیلاتی

در منطقه نیز مطلوب نیست. از میان شاخصهای سنجش این متغیر، تنها تبادل اطلاعات و تجربیات میان واحدها بالاتر از متوسط گزارش شده است (۳/۶۴) و میانگین بقیه ابعاد کنش جمعی، یعنی خرید مشترک مواد اولیه، عرضه مشترک محصولات، به اشتراک گذاری نیروهای انسانی متخصص و لابی گری مشترک با دولت برای بهبود وضعیت صنعت شیلات، کمتر از متوسط گزارش شده است (بین ۲/۱۳ تا ۲/۶۷). بر اساس یافته‌های پیمایش اما یادگیری زایشی در منطقه وضع مطلوب‌تری دارد. طوری که پاسخگویان میانگین استفاده از نظرات سایر واحدهای تولیدی و خریداران و سازمان‌های حمایتی در بهبود واحد خود را بیشتر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند (با میانگین بین ۳,۳۴ تا ۳,۵۶).

میانگین هزینه‌های معامله (۱-۵)	
۳,۵۴	وجود تامین کننده مناسب/کافی محصولات شما در منطقه
۳,۳۱	مدت زمان صرف شده برای جستجو تامین کننده جایگزین ماهی یا میگو
۳,۸۰	زمان صرف شده در سال گذشته برای کسب اعتبار
۳,۴۱	زمان صرف شده برای بررسی عمل به وعده های شرکا
۳,۶۱	دوره‌های زمانی جستجو برای خریدار جدید
۳,۳	میانگین هزینه‌های معامله
میانگین کنش جمعی (۱-۵)	
۳,۶۴	تبادل اطلاعات و تجربیات با دیگر تولیدکنندگان
۲,۱۳	اشتراک گذاری ماشین‌آلات با دیگر تولیدکنندگان
۲,۵۷	عرضه مشترک محصولات با دیگر تولیدکنندگان
۲,۴۵	خرید مشترک مواد اولیه با دیگر تولیدکنندگان
۲,۲۸	اشتراک گذاری نیروی انسانی متخصص با دیگر تولیدکنندگان
۲,۶۷	لابی مشترک با دولت برای بهبود وضعیت صنعت شیلات
۲,۶۲	میانگین کنش جمعی
میانگین یادگیری زایشی (۱-۵)	
۳,۵۶	استفاده از نظرات سایر واحدهای تولیدی در بهبود واحد خود
۳,۵۱	استفاده از نظرات خریداران در بهبود واحد خود
۳,۳۴	استفاده از نظرات سازمان‌های حمایتی در بهبود واحد خود
۳,۴۷	میانگین یادگیری زایشی

جدول ۴: پیامدهای (مثبت) اقتصادی سرمایه اجتماعی

یافته‌های بخش کیفی

الف: سرمایه اجتماعی محدود، شکننده و غیرمولد: هر چند مطابق یافته‌های پیمایش، شبکه اجتماعی نرم در خوشه صنعتی شیلات چابهار و کنارک وضع نسبتاً قابل قبولی دارد، یعنی وضعیت اعتماد و همچنین روابط و مشارکت شبکه‌ای در خوشه اندکی بالاتر از حد متوسط ارزیابی شده است، با این حال، یافته‌های بخش کیفی (مصاحبه‌ها) نشان می‌دهد شبکه اجتماعی سخت در خوشه شیلات وضع مناسبی ندارد، یعنی اعتمادها و ارتباطها و مشارکتها در خوشه در قالب تشکل‌ها و انجمن‌های تخصصی نهادینه و تثبیت نشده است. در واقع، هر چند در پروژه توسعه خوشه شیلات تلاش‌هایی برای شکل‌گیری و ثبت انجمن تخصصی شیلات و کنسرسیوم صادراتی محصولات شیلات در منطقه صورت گرفت، اما این انجمن و کنسرسیوم هیچگاه به ثبت رسمی نرسید و عملاً در چند سال بعد از اتمام پروژه توسعه خوشه هیچ فعالیت انجمنی و کنسرسیومی در منطقه شکل نگرفته است. همچنین، انجمن صنایع کنسرو ایران که نقش مهمی در قیمت‌گذاری و لابی‌گری با دولت دارد، در اصفهان مستقر است و این دوری باعث شده است که صنعتگران شیلات در چابهار و کنارک نتوانند با این انجمن ارتباط نزدیک و موثری داشته باشند و با واسطه آن، مطالبات خود از دولت را به صورت جدی پیگیری نمایند. علاوه، بنا به ارزیابی مصاحبه‌شوندگان، دو تشکل اتاق بازرگانی

و خانه صمت که وظیفه آنها لابی‌گری با دولت و حمایت از منافع مشترک صنعتگران و تقویت همکاریها و ارتباطات میان صنعتگران و کارآفرینان است، در استان سیستان و بلوچستان به اندازه کافی قوی و فعال نیست و حداقل در رابطه با صنعت شیلات وظایف خود را به خوبی انجام نمی‌دهد.

بر اساس یافته‌های بخش کیفی (مصاحبه‌ها)، کنش‌های جمعی و کاهش هزینه‌های معادلات، به عنوان دو پیامد قابل انتظار سرمایه اجتماعی در خوشه، وضع مناسبی ندارد. در طول انجام پروژه توسعه خوشه چند کنش‌های جمعی صورت گرفته است، از جمله حضور مشترک در نمایشگاه فروش محصولات، لابی‌گری با مسئولان سازمان استاندارد برای تدوین استاندارد محصولات، اقدام جمعی برای فشار بر برخی مسئولان محلی برای رفع موانع اداری، پیگیری ایجاد یک آزمایشگاه مجهز در منطقه و با این حال، این کنش‌های جمعی شکل نهاد سفته شده و بادوام به خود نگرفته است. به عنوان مثال، از بعد از اجرای پروژه توسعه خوشه، واحدهای تولیدی هیچ حضور اشتراکی در نمایشگاه‌های فروش محصولات نداشته‌اند و همچنین خرید اشتراکی مواد اولیه یا بازاریابی و فروش اشتراکی محصولات در خوشه اتفاق نیفتاده است.

ب- تقارن نسبی قدرت در خوشه: مصاحبه‌شوندگان از عدم تقارن قدرت در صنعت کنسرو در سطح ملی به ضرر صنایع شیلات منطقه چابهار و کنارک یاد کردند. همچنین آنان شواهدی از عدم تقارن قدرت در منطقه به ضرر صیادان بومی و به نفع تولیدکنندگان محصولات شیلاتی را ذکر کردند. اما مجموع مصاحبه‌ها شواهد قابل توجهی از عدم تقارن قدرت در درون صنعت شیلات در منطقه چابهار و کنارک را بدست نمی‌دهد. و ترکیب واحدهای تولیدی (اینکه به جز یک واحد صنعتی بزرگ شیلات در منطقه، دیگر واحدهای صنعتی واحدها متوسط یا کوچک محسوب می‌شوند و هیچ واحد صنعتی دولتی نیز در منطقه وجود ندارد) را می‌توان مؤیدی بر این دعوی دانست. لذا می‌توان گفت در این خوشه با پیامدهای منفی اقتصادی سرمایه اجتماعی، یعنی پیامدهای ناشی از عدم تقارن قدرت، مواجه نیستیم.

ج- دولت ناتوان و فاقد اراده توسعه: مصاحبه‌شوندگان به شیوه‌های مختلف ناتوانی و عدم اراده دولت برای توسعه را مورد تأکید قرار دادند. آنها با توجه به ظرفیتهای خاص منطقه به ویژه همجواری آن با آبهای آزاد اقیانوسی، به ناتوانی دولت در بهره‌گیری از چنین ظرفیتهایی اشاره کردند و اینکه عدم توجه به این ظرفیتهای باعث شده چابهار و کنارک به یکی از مناطق دورافتاده و توسعه‌نیافته کشور تبدیل شود و فاصله دور این منطقه از شهرهای بزرگ ایران و حتی از مرکز استان (فاصله ۷۰۰ کیلومتری از زاهدان) به مثابه یکی از موانع مهم توسعه منطقه عمل کند. از یکسو این فاصله، باعث مهاجرت نخبگان و سرمایه‌داران منطقه شده است و احساس «در حاشیه بودن» را برای آنان و همچنین برای مدیران و کارشناسان دولتی بومی ایجاد کرده است. از سوی دیگر، به رغم مزیت‌های نسبی منطقه در حوزه شیلات، این فاصله دور منطقه باعث جذب اندک سرمایه‌گذاران در آن شده است. حتی عمده سرمایه‌گذاران شیلات در خوشه ساکن خود منطقه نیستند و لذا کمتر می‌توانند نقشی در تقویت سرمایه اجتماعی داشته باشند. علاوه بر این فاصله دور منطقه باعث شده که حکم‌شدگی دولت در شبکه تولیدکنندگان و به تعبیر دیگر، ارتباط نزدیک و مؤثر و اثربخش مسئولان دولتی استان با تولیدکنندگان شیلات دچار چالش شود و عملاً تولیدکنندگان احساس نوعی «رهاشده‌گی» کنند. بی‌کفایتی مدیران از دیگر موارد مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان بود که مصادیق آن را در موارد زیر برمی‌شمردند. الف. عدم شایستگی و تخصص مدیران دولتی و تعویض پی در پی آنان: یکی از نکات مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان، عدم شایسته‌گزینی در مدیریت‌ها و سمت‌های کارشناسی در ادارات دولتی و همچنین تغییرات پی در پی مدیران دولتی در بخش شیلات منطقه است. این دو مورد به مشکلی مزمن اقتصاد سیاسی ایران تبدیل شده است اما به نظر می‌رسد در مناطقی مانند چابهار و کنارک این دو مورد شدت بیشتری دارد. ب. انباشته شدن مشکلات حل‌نشده: مصاحبه‌شوندگان یکی از دلایل اصلی عدم رغبت واحدهای صنعتی شیلات برای کار جمعی و حتی لابی‌گری با دولت را غیراثربخش بودن اینگونه پیگیری‌ها و لابی‌گریها می‌دانند و دلیل آن را ماندگار شدن خیلی از مشکلات و رفع نشدن آنها و به تعبیری، "تکرار مکرر مشکلات" می‌دانند. اینان در واقع مشکل اساسی را

در اقتصاد سیاسی کشور و مشکلات کلان کشور جستجو می‌کنند که با لابی‌گری و اقدامات جمعی در سطح خرد و بخشی قابل حل شدن نیست. لذا در میان مدت به سمت تکروری و حل مشکلات خود از راههای دیگر سوق می‌یابند. از دیگر مصادیق ناتوانی دولت و عدم اراده دولت برای توسعه صنعت شیلات که توسط مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید قرار گرفته، بالاتکلیفی صنعت شیلات میان وزارت صمت و وزارت جهاد کشاورزی است. صنایع شیلات کشور از یکسو، به عنوان "بخش صنعت"، ذیل وزارت صمت قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، به عنوان "بخش شیلات"، ذیل سازمان شیلات کشور که خود زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی است، قرار می‌گیرد. از این رو، هیچ یک از این وزارتخانه‌ها این صنعت را در مرکز توجه خود ندارند و رسیدگی جدی به امور این صنعت را در حوزه وظایف خود نمی‌دانند. علاوه بر این، در وزارت جهاد کشاورزی (سازمان شیلات کشور)، عمده توجه سیاستها و قوانین به زنجیره‌های پایین‌دستی این صنعت، یعنی صید آبزیان و تکثیر و پرورش ماهی و میگو است و در وزارت صمت نیز به علت اینکه صنایع شیلات جزو صنایع کوچک و متوسط و با تکنولوژی متوسط و پایین محسوب می‌شود و ویژگی استراتژیک ندارد، توجه چندانی را بر نمی‌انگیزد.

مضمون اصلی	مضمون‌های فرعی	کدهای محوری	کدهای باز	
<p>سرمايه اجتماعي غيرريشه‌دار و غير نهادمند و عدم استقلال حک شده دولت</p>	<p>سرمایه اجتماعي محدود، شکسته و غيرمولد</p>	وجود نسبی شبکه اجتماعی نرم	روابط غیررسمی در خوشه عدم وجود شکایت قضایی وجود برخی از مدیران عامل به عنوان افراد مورد اعتماد	
		ضعف یا نبود نهادهای میانجی (نهادمند و مشکل)	شکل نگرش انجمن تخصصی شکل نگرش کنسرسیوم صادراتی ضعف و انفعال اتاق بازرگانی و خانه صنعت در منطقه استقرار انجمن شیلات ایران در بیرون از منطقه	
		کنشهای جمعی پراکنده و موردی	حضور مشترک در نمایشگاه فروش محصولات در زمان اجرای پروژه خوشه لایبگیری با سازمان استاندارد برای تدوین استاندارد محصولات فشار بر مسئولان محلی برای رفع موانع اداری پیگیری ناموفق ایجاد آزمایشگاه مجهز در منطقه	
		عدم کنش جمعی هدفمند و بادوام	عدم حضور مشترک در نمایشگاه فروش محصولات بعد از اجرای پروژه خوشه عدم خرید مشترک موارد اولیه عدم بازاریابی و فروش مشترک محصولات	
		تقارن نسبی قدرت در خوشه	متوسط بودن اغلب واحدهای تولیدی نبود هیچ واحد تولیدی دولتی وجود تنها یک واحد بزرگ صنعتی در خوشه	
		دولت ناتوان و فاقد اراده توسعه	نبود نگاه توسعه‌محور در میان مدیران	ناتوانی دولت در بهره‌گیری از ظرفیت‌های دریایی منطقه عدم توسعه راههای خشکی و دریایی
			بی‌کفایتی مدیران	عدم شایسته‌محوری و تخصص‌گرایی در مدیران دولتی تعویض بی در بی مدیران دولتی انباشته شدن مشکلات حل نشده
			ابهام جایگاه صنعت شیلات در ساختار دولت	جایگاه مبهم صنعت شیلات میان دو وزارتخانه صمت و کشاورزی

جدول ۵: کدها و مضمون‌های مستخرج از بخش کیفی تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

در ارزیابی نهایی از نوع و میزان سرمایه اجتماعی در خوشه شیلات چابهار و کنارک می‌توان گفت با اینکه در این منطقه فرهنگ خویشاوندگرایی و قوم‌گرایی نسبتاً قوی است، اما سرمایه اجتماعی در این خوشه، از نوع "سرمایه اجتماعی درون‌گروهی" یعنی بر اساس پیوندهای طایفه‌ای و قومی نیست. بلکه، از آنجا که عمده سرمایه‌گذاران این صنعت غیربومی و از بیرون منطقه هستند، سرمایه اجتماعی موجود در این خوشه، به هر میزان که باشد، از نوع "سرمایه اجتماعی برون‌گروهی" است. عدم شکل‌گیری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در این منطقه از دو جهت اهمیت تحلیلی زیادی دارد: نخست اینکه، بر اساس این اصل که میزانی از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی می‌تواند از طریق ایجاد و بازتولید قابلیت‌های اجتماعی مانند اعتماد، تعاملات اجتماعی، وفاداری و مسئولیت، به شکل‌گیری بهتر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی کمک کند (نورینگا و استورن ۲۰۰۳: ۳۴-۴۱)، نبود سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در صنعت شیلات در منطقه را می‌توان، به نوعی، پاشنه آشیل و گره توسعه مناسب این خوشه قلمداد کرد. به ویژه اینکه، وجود این نوع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در محیط اقتصادی ایران امروز که دچار ناپایداری و چارچوب نهادی محدود است، می‌توانست بخشی از ناکارآمدی اقتصادی گسترده در رابطه با صنعت شیلات را جبران کند. دوم اینکه، وجود سرمایه اجتماعی درون‌گروهی زیاد در خوشه می‌توانست تأثیراتی منفی در گشودگی خوشه به روی بازارها و فناوریهای جدید، یا آنچه آنچه برخی پژوهشگران خطر «قفل‌شدگی» (سوفر و شل ۲۰۰۲) نامیده‌اند، داشته باشد. اما در حال حاضر، این موضوع در مورد خوشه شیلات صدق نمی‌کند.

غلبه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در خوشه شیلات می‌توانست مزیت بسیار مثبت این خوشه باشد. اما نکته پراهمیت این است که بر اساس یافته‌های این تحقیق، این سرمایه اجتماعی محدود، شکننده و غیرمولد است. با توجه به اینکه اغلب مالکان واحدهای صنعتی خوشه غیربومی هستند، می‌توان گفت این سرمایه اجتماعی در منطقه غیرریشه‌دار و غیرحک شده است یعنی، حاصل ارتقا و توسعه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (سرمایه اجتماعی برآمده از اعتمادها و شبکه‌های محلی) نیست و لذا در شرایط متلاطم اقتصادی کنونی ایران، نمی‌تواند به اندازه کافی مولد و اثربخش باشد. همچنین، در حالی که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی می‌تواند به دو صورت افقی - با ایجاد شبکه‌هایی میان افراد و سازمان‌های دارای ارتباط ضعیف - و عمودی - بین حلقه‌های سلسله‌مراتبی یا موقتی مثل زنجیره ارزش - پدیدار شود (نورینگا و استورن ۲۰۰۳: ۳۴-۴۱)، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در خوشه شیلات عمدتاً تنها به صورت افقی شکل گرفته و از گسترش به صورت عمودی (در زنجیره ارزش صنعت شیلات) بازمانده است و همچنین در سطح ملی متوقف مانده و زمینه گسترش آن در سطح فراملی فراهم نشده است.

مهمتر از موارد بالا، با شکل نگرفتن انجمن تخصصی شیلات و کنسرسیوم صادرات در خوشه، می‌توان گفت عملاً سرمایه اجتماعی سطح میانی که مبتنی بر نهادهای میانجی میان دولت و واحدهای تولیدی است و پیترواوانز آن را دارای بیش‌ترین اهمیت برای تحول صنعتی می‌داند (اوانز، ۱۹۹۶: ۱۱۲۲)، هنوز در خوشه شیلات شکل نگرفته است. در واقع، چنین انجمنها و کنسرسیوم‌هایی می‌توانند نقشی کلیدی در پل زدن میان واحدهای تولیدکننده و دولت و راهبری کنشهای جمعی با هدف ارتقای سطح سرمایه اجتماعی به سمت حلقه‌های بالاتر زنجیره ارزش صنعت شیلات و گسترش آن در سطح ملی و بین‌المللی داشته باشند. اما عدم شکل‌گیری چنین نهادهای میانجی نشان‌دهنده عدم شکل‌گیری سرمایه اجتماعی ریشه‌دار و نهادمند در خوشه و در نتیجه، غیراثربخش بودن این سرمایه اجتماعی است.

در مورد رابطه دولت با صنعت شیلات و نوع دخالت دولت در خوشه شیلات، می‌توان گفت اجرای پروژه توسعه خوشه شیلات در منطقه تا حدی نشان از اراده دولت برای دخالت در خوشه به منظور ارتقای آن است و تعاملات شکل گرفته در طول اجرای این پروژه حس نسبتاً مثبت و اعتمادآمیزی را به دولت محلی سبب شده است. اما تصور کلی اعضای خوشه از دولت در سطح ملی عبارت است از دولتی که نه اراده توسعه صنعت شیلات در منطقه چابهار و کنارک را دارد و نه از سبام و استحکام لازم برای

چنین کاری را دارد. در واقع، سرعت کند و مدل نامناسب توسعه در ایران (مدل توسعه نامتوازن، مرکزگرا و خشکی محور به جای مدل توسعه متوازن، غیرمرکزگرا و دریامحور)، منطقه چابهار و کنارک را که به خاطر همجواری با سواحل دریای عمان می‌توانست یکی از مهمترین مراکز توسعه ایران به ویژه در صنعت شیلات و اتصال آن به شبکه‌های ارزش جهانی باشد، به یکی از مناطق دورافتاده و توسعه نیافته کشور تبدیل نموده است. در سایه مدل توسعه یاد شده، فاصله دور چابهار و کنارک از شهرهای بزرگ ایران و حتی از مرکز استان به عنوان یکی از موانع مهم شکل‌گیری، گسترش و اثربخش شدن سرمایه اجتماعی در خوشه عمل کرده است. ناپایداری اقتصادی کلان کشور و عدم شایستگی و تخصص مدیران دولتی و تعویض پی در پی آنان و ابهام جایگاه صنعت شیلات میان وزارت صمت و وزارت جهاد کشاورزی، سبب تشدید وضعیت بالا شده است. به ویژه که عدم وجود یا ضعف نهادهای میانجی در منطقه (به ویژه عدم شکل‌گیری انجمن تخصصی شیلات و ضعف اتاق بازرگانی و خانه صمت) سبب شده که ارتباط ارگانیک و گفتگومحور دو طرفه میان دولت و بخش پیشرو صنعت شیلات در منطقه شکل نگیرد و دولت دچار نوعی بی‌عملی شود و صنعتگران شیلات هم نوعی احساس به حال خودرهاشده‌گی داشته باشند. در مجموع، می‌توان رابطه دولت با خوشه صنعتی شیلات چابهار و کنارک را یکی از مصادیق مهم عدم تحقق ایده «استقلال حک شده دولت» در ایران دانست.

پیشنهاد‌های کاربردی: دخالت دولت و نوع و میزان آن در مناطق مختلف و در خوشه‌های مختلف نمی‌تواند و نباید یکسان باشد و بسته به «میراث اجتماعی-اقتصادی» و «تاریخ صنعتی منطقه» یا «سرمایه کارآفرینی» هر منطقه، باید میزان ورود و نحوه خروج دولت از پروژه خوشه باید تغییر کند و به ویژه شکل‌گیری و پایدار شدن انجمن تخصصی در هر خوشه، معیار کلیدی در زمان خروج دولت تعریف شود. همچنین، با توجه اهمیت حک شدگی کارآفرینان در منطقه برای توسعه آن منطقه، دولت باید برنامه‌هایی را برای جذب سرمایه‌داران بومی منطقه در صنعت شیلات و بهره‌گیری از سرمایه‌های خرد اقتصادی و اجتماعی منطقه داشته باشد.

پیشنهاد‌های پژوهشی: پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مقایسه‌ای میان فرایند توسعه خوشه‌های صنعتی در مناطق مختلف و در صنایع مختلف ایران، به ویژه از لحاظ نحوه ترکیب سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و میزان تأثیر آن بر موفقیت توسعه خوشه انجام گیرد. همچنین، نحوه و زمان دخالت دولت در توسعه خوشه‌ها و اثربخشی این شیوه دخالت مورد واکاوی قرار گیرد. به ویژه، این مطالعه تطبیقی میان خوشه شیلات چابهار و کنارک با خوشه‌های صنعتی در مناطق مرکزی ایران مثل اصفهان و یزد یا مناطق صنعتی‌تر ایران مثل تبریز پیشنهاد می‌شود.

منابع مالی:

این مقاله با هزینه خود نویسندگان تهیه شده است و هیچ کمک مالی از نهادی یا شخصی گرفته نشده است.

سهام نویسندگان:

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم است؛ بر این اساس، گردآوری داده‌های میدانی توسط ایشان و نویسنده سوم و نگارش مقاله توسط نویسنده اول انجام گرفته است.

تعارض منافع:

نویسندگان ضمن رعایت اخلاق نشر، نبود تضاد و تعارض منافع را اعلام و عدم حمایت مالی از هیچ مرکز دولتی و غیردولتی را اعلام می‌دارند.

سپاسگزاری:

از اعضای خوشه صنعتی شیلات چابهار و کنارک که ما را در جمع‌آوری داده‌ها یاری کردند، و از سردبیر محترم و داوران نشریه مجله که با نقطه نظرات خود به غنی‌تر شدن بیشتر مقاله کمک کردند، بسیار سپاسگزاریم.

منابع

- ابویی اردکان، محمود، عظیمی، محمد علی و طالبی، کامبیز (۱۳۹۳). بررسی سطوح بلوغ و توسعه یافتگی نوآوری و همکاری دولت با خوشه های صنعتی (مورد کاوی خوشه کاشی استان یزد)، سیاست نامه علم و فناوری، ۴(۲)، ۱۰۳-۱۱۲.
- اداره کل شیلات استان سیستان و بلوچستان (۱۴۰۳). توانمندیها و ظرفیتهای شیلاتی استان سیستان و بلوچستان.
- استاک، روح الله؛ عبدالملکی، جمال (۱۳۹۳). بررسی و تبیین تأثیر سرمایه اجتماعی بر نوآوری با تأکید بر نقش میانجی مدیریت دانش. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۱(۱)، ۱-۲. doi: 10.22059/jscm.2014.53270
- اشمیتر، هوبرت؛ وندوی، خالد (۱۳۸۱). *خوشه‌های صنعتی رویکرد نوین در توسعه صنعتی*، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- اوانز، پیتر (۱۳۹۸). *توسعه یا چپاول (نقش دولت در تحول صنعتی)*، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران: طرح نو، چاپ سوم.
- پورتر، مایکل (۱۳۹۴). *مزیت رقابتی ملی*، ترجمه جهانگیر مجیدی، تهران: رسا.
- جدگال، جواد (۱۳۹۴). *گزارش پایانی پروژه توسعه خوشه صنعتی شیلات چابهار و کنارک*، شرکت شهرک‌های صنعتی سیستان و بلوچستان.
- حمیدی مطلق، روح‌الله و همکاران (۱۳۹۵). *درهم تنیدگی دولت-کارآفرینان پیشگام و تحول فناورانه: موردکاوی رشد سریع فناوری زیست دارو در ایران*، سیاست علم و فناوری، ۱۸(۴)، ۱-۱۶.
- دینی ترکمانی، علی، حاجی حسینی، حجت‌الله، رضاییپور نرگسی، قاسم و میرعمادی، طاهره (۱۳۹۹). *دولت توسعه‌گرا، سیاست صنعتی، توسعه فناورانه (ارزیابی علل عملکرد متفاوت صنعت خودروسازی ایران، چین و مکزیک، سیاستگذاری عمومی*، ۶(۴)، ۱۱۱-۱۳۲.
- رابلوتی، روبرتا (۱۳۸۲). *خوشه‌های صنعتی: الگوی موفق توسعه درون‌زا*، ترجمه عباس مهریویا، جهانگیر مجیدی، تهران: رسا.
- سالار، علی؛ اکبری، حسین؛ و صدیق اورعی، غلام‌رضا. (۱۳۹۸). *بررسی طولی - ملی (۱۹۹۰ - ۲۰۱۴) نقش سرمایه اجتماعی در توسعه صنعتی. مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۲(۲)، ۱۶۹-۱۹۵. doi:10.22059/jscm.2019.275706.1783
- سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران (۱۴۰۴). *آمارنامه کامل عملکرد سازمان تا پایان شهریور ۱۴۰۴*
<https://isipo.ir/%D%A%A%2D%85%9D%8A%7D%8B%1D%86%9D%8A%7D%85%9D%87%9>
- سعیدی، علی اصغر؛ عزیزی مهر، خیام؛ طوسی، ندا؛ تمیزی فر، ریحامه (۱۳۸۹). *سنجش سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با نوآوری (مطالعه موردی: واحد تندر ایران خودرو)*. *توسعه کارآفرینی*، ۳(۳)، ۱۳۱-۱۵۵.
- علی‌نژاد، منوچهر؛ ابوالفضل مرشدی؛ الهام حاجی‌دخت (۱۴۰۱). *مطالعه وضعیت شاخص‌های اجتماعی در خوشه‌ی صنعتی نساجی یزد*، مطالعه توسعه اجتماعی ایران، ۱۵(۱)، ۳۰۹-۳۲۹.
- فرتاش، کیارش (۱۴۰۰). *تحلیلی تاریخی بر اسناد سیاست توسعه صنعتی در ایران و ارائه الزامات سیاستی در سال‌های پیش‌رو*، بهبود مدیریت، ۱۵(۳)، ۱۲۱-۱۴۴.
- فلیک، اووه (۱۳۹۱). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کمالیان، امین‌رضا، جودزاده، مهتا؛ مهربان، اسما (۱۳۹۳). *بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر نوآوری کارآفرینی (مورد مطالعه: مدیران و کارکنان خوشه صنعتی شیلات چابهار)*، سومین همایش علوم مدیریت نوین.
- منتظری، محمد؛ پسندی پور، ندا؛ علیرضایی، اسداله (۱۳۹۵). *تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارآفرینی سازمانی (مورد مطالعه: کسب‌وکارهای کوچک و متوسط منطقه ویژه اقتصادی سیرجان)*. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۳(۴)، ۵۸۳-۶۰۵. doi: 583-605. 10.22059/jscm.2016.62097
- منوریان، عباس، عباسی، طیبیه، سلیمانی، غلامرضا و آقا محسنی فشمی، علی (۱۳۹۶). *طراحی و تبیین مدل ختمشی‌گذاری توسعه خوشه‌های کسب‌وکار در ایران*، سیاستگذاری عمومی، ۳(۴)، ۹-۲۸. doi: 10.22059/ppolicy.2018.65589

- مهدوی، ابوالقاسم؛ عزیزمحمدلو، حمید (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر رشد صنعتی از طریق بهبود نوآوری و فناوری، *تحقیقات اقتصادی*، ۴۸(۱)، ۲۰۱-۱۷۹. doi: 10.22059/jte.2013.30366
- مهربانفر، احسان؛ آغاز، عسل (۱۳۹۳). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در تسهیم موثر دانش کارکنان شرکت نفت و گاز پارس. *مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت*، ۶(۲۱)، ۱۰۹-۱۳۲
- موید، میترا، طاهری، فاطمه، صباغ زاده، محمدفواد، حسینی، محمد و کشاورز، حمید (۱۴۰۴). مدلسازی راهکارهای مدیریت موفق پروژه‌های توسعه خوشه صنعتی با کمک تئوری داده‌بنیاد، *بهبود مدیریت*، ۱۹(۲)، ۱۶۶-۱۸۴. Doi: 10.22034/jmi.2025.506849.3181
- نورینگا، پیتر؛ استاورن، آیرین ون (۱۴۰۳). *سرمایه اجتماعی برای توسعه صنعتی*، ترجمه ابوالفضل مرشدی و دانیال ستارنژاد، یزد: دانشگاه یزد
- هیأت وزیران (۱۳۸۷). آیین‌نامه ساماندهی خوشه‌ها و شبکه‌های صادرات‌گرای کسب و کار، <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/134585>
- هیأت وزیران (۱۴۰۴). برنامه ملی توسعه خوشه‌های صنعتی، <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1849405>

References

- Alina, C., Emiliano, C., & Donatella, F. (2012). Social capital and industrial district development: the role of the local government. *THE ANNALS OF THE UNIVERSITY OF ORADEA*, 284.
- Astak, R. and Abdolmaleki, J. (2014). Study of the Effect of Social Capital on Innovation Emphasize on Mediation Role of Knowledge Management. *Social Capital Management*, 1(1), 1-20. doi: 10.22059/jscm.2014.53270 [In Persian]
- Bourdieu, P. (1980) 'Le capital social: notes provisoires', *Actes de la Recherche en Sciences Sociales*, 31: 2-3.
- Burt, R. S. (1992). *Structural Holes: The Social Structure of Competition*, MA: Harvard University Press. <https://doi.org/10.4159/9780674029095>
- Chen, P. L. (2020). A reachable governance to fight COVID-19: Democracy and the legacy of embedded autonomy in Taiwan. *Asian Journal of Social Science Studies* 5 (3), 18-28
- Clark, P., & Rosales, A. (2023). Broadened embedded autonomy and Latin America's Pink Tide: towards the neo-developmental state. *Globalizations*, 20(1), 20-37. <https://doi.org/10.1080/14747731.2022.2032986>
- Coleman, J. (1990) *Foundations of Social Theory*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Council of Ministers (2008). Regulations on Organizing Export-Oriented Business Clusters and Networks, <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/134585> [In Persian]
- Council of Ministers (2015). National Program for the Development of Industrial Clusters, <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1849405> [In Persian]
- De Vaan, M., Frenken, K., & Boschma, R. (2019). The downside of social capital in new industry creation. *Economic Geography*, 95(4), 315-340. <https://doi.org/10.1080/00130095.2019.1586434>
- Easmon, R.B., Kastner, A.N.A., Blankson, C. and Mahmoud, M.A. (2019), Social capital and export performance of SMEs in Ghana: the role of firm capabilities, *African Journal of Economic and Management Studies*, 10(3), 262-285. <https://doi.org/10.1108/AJEMS-11-2018-0361>
- Elfring, T., & Hulsink, W. (2007). Networking by Entrepreneurs: Patterns of Tie-Formation in Emerging Organizations. *Organization Studies*, 28(12), 1849-1872. <https://doi.org/10.1177/0170840607078719>

- Evans, P. (1996). Government action, social capital and development: reviewing the evidence on synergy. *World development*, 24(6), 1119-1132. [https://doi.org/10.1016/0305-750X\(96\)00021-6](https://doi.org/10.1016/0305-750X(96)00021-6)
- Evans, P. (2019). *Development or Plunder (The Role of the State in Industrial Transformation)*, translated by Abbas Zandbaf and Abbas Mokhbar, Tehran: Tarh No, 3rd edition [In Persian]
- Evans, P., & Heller, P. (2018). The State and Development. WIDER Working Paper Series 112, *World Institute for Development Economic Research (UNU-WIDER)*.
- Evans, Peter (2023). "From Embedded Autonomy to Counter-Hegemonic Globalization: A 60-Year Adventure in Exploring Comparative Political Economy". *Annual Review of Sociology*. 49 (1)
- Fang, Z. (2019). Historicizing Embedded Autonomy The Rise and Fall of a Local Developmental State in Dongguan, China, 1978–2015. *Sociology of Development*, 5(2), 147–173. <https://doi.org/10.1525/SOD.2019.5.2.147>
- Field, J. (2003). *Social capital*. London, Routledge.
- Flick, U. (2011). *An introduction to qualitative research*, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing [In Persian]
- García-Lillo, F., Claver-Cortés, E., Marco-Lajara, B., Úbeda-García, M., & Seva-Larrosa, P. (2018). On clusters and industrial districts: A literature review using bibliometrics methods, 2000–2015. *Papers in Regional Science*, 97(4), 835-862. <https://doi.org/10.1111/pirs.12291>
- Granovetter, M. (1985). "Economic Action and Social Structure: The Problem of Embeddedness". *American Journal of Sociology*. 91 (3): 481–510. doi:10.1086/228311
- Jacobs, A. J. (2003). Embedded autonomy and uneven metropolitan development: A comparison of the Detroit and Nagoya auto regions, 1969–2000. *Urban Studies*, 40 (2), 335–360.
- Jadgal, Javad (2015). *Final Report of the Chabahar and Konarak Fisheries Industrial Cluster Development Project*, Sistan and Baluchestan Industrial Towns Company [In Persian]
- Kamalian, A., Joudzadeh, M.; Mehraban, A. (2014) Investigating the Effect of Social Capital on Entrepreneurial Innovation (Case Study: Managers and Employees of Chabahar Fisheries Industrial Cluster), *Third Conference on Modern Management Sciences* [In Persian]
- Khan, S.H., Majid, A., Yasir, M. and Javed, A. (2021), Social capital and business model innovation in SMEs: do organizational learning capabilities and entrepreneurial orientation really matter?, *European Journal of Innovation Management*, 24(1), 191-212. <https://doi.org/10.1108/EJIM-04-2020-0143>
- Knorringa, p., Staveren, I. (2006). social capital for industrial development: operationalizing the concept, Vienna: UNIDO
- Kuznetsova, S.N., Romanovskaya, E.V., Andryashina, N.S., Garina, E.P., Kuznetsov, V.P. (2022). A New Paradigm of Government Support for Industrial Clusters. In: Popkova, E.G. (eds) *Business 4.0 as a Subject of the Digital Economy*. Advances in Science, Technology & Innovation. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-90324-4_153
- LI, J. (2023). Research on the Impact of Social Capital on Promoting Cooperative Behavior: Based on the Tea Industry Cluster in Anhui Province. *Journal of Yunnan Agricultural University (Social Science)*, 17(5), 88-95. DOI: 10.12371/j.yнау(s).202305010
- Lyu, Weicheng and Singh, Nirvikar (2021). A Model of Embedded Autonomy and Asymmetric Information (2021). <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3906192>
- Mahdavi, A. and Azizmohammadlou, H. (2013). The Effect of Social Capital on Industrial Growth through the Innovation and Technology Improvement. *Journal of Economic Research (Tahghighat- E- Eghtesadi)*, 48(1), 179-201. doi: 10.22059/jte.2013.30366 [In Persian]

- Mayasari, Y. and Chandra, T. (2020), "Social capital for knowledge management system of the creative industry", *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 14(4), 481-494. <https://doi.org/10.1108/JEC-01-2020-0008>
- Mazzucchelli, A., Chierici, R., Tortora, D., & Fontana, S. (2021). Innovation capability in geographically dispersed R&D teams: The role of social capital and IT support. *Journal of Business Research*, 128, 742-751. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.05.034>
- Mehrabanfar E, Aghaz A. (2014). The influence of social capital on knowledge Pars Oil and Gas Company. *Strategic studies in the oil and energy industry*; 6 (21) :109-132 [In Persian]
- Molina-Morales, F. X., & Martínez-Fernández, M. T. (2009). Too much love in the neighborhood can hurt: How an excess of intensity and trust in relationships may produce negative effects on firms. *Strategic management journal*, 30(9), 1013-1023. <https://doi.org/10.1002/smj.766>
- Montezeri, M., Pasandi, N. and Alirezaei, A. (2016). Investigating the effect of social capital on organizational entrepreneurship (Case study: small and medium –size businesses). *Social Capital Management*, 3(4), 583-605. doi: 10.22059/jscm.2016.62097 [In Persian]
- Muchlis and Muh. Akmal Ibrahim, (2025), "From Clientelistic Governance to Embedded Autonomy: A Transformative Patron-client Approach in Pangkep Regency Development" in *The 2nd Doctoral International Conference, KnE Social Sciences*, 1181–1201. DOI 10.18502/kss.v10i18.19546
- Nozawa, H., & Kang, R. (2025). Changes in networks influencing entrepreneurial activity of start-up founders: The increasing importance of the weak ties. *Journal of the International Council for Small Business*, 6(3), 494–502. <https://doi.org/10.1080/26437015.2024.2411596>
- Ozdemir, S. Z., Moran, P., Zhong, X., & Bliemel, M. J. (2016). Reaching and Acquiring Valuable Resources: The Entrepreneur's Use of Brokerage, Cohesion, and Embeddedness. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 4, 49-79. <https://doi.org/10.1111/etap.12103>
- Porter, Michael (2015). *The Competitive Advantage of Nations*, translated by Jahangir Majidi, Tehran: Rasa [In Persian]
- Putnam, R. (1993). *Making Democracy Work*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Rablotti, Roberta (2003). *Industrial Clusters: A Successful Model of Endogenous Development*, translated by Abas Mehrpoya, Jahangir Majidi, Tehran: Rasa [In Persian]
- Rowley, T., Behrens, D., & Krackhardt, D. (2000). Redundant Governance Structures: An Analysis of Structural and Relational Embeddedness in the Steel and Semiconductor Industries. *Strategic Management Journal*, 21, 369-386. [https://doi.org/10.1002/\(SICI\)1097-0266\(200003\)21:3<369::AID-SMJ93>3.0.CO;2-M](https://doi.org/10.1002/(SICI)1097-0266(200003)21:3<369::AID-SMJ93>3.0.CO;2-M)
- Saeedi, A. A.; Azizi Mehr, Kh.; Toosi, N.; Tamizifar, R. (2010). Measuring social capital and its relationship with innovation (Case study: Iran Khodro Thunder Unit). *Journal of Entrepreneurship Development*, 3(3), 131-155. [In Persian]
- Salar, A., Akbari, H. and Seddigh Ouraee, G. (2019). A longitudinal, National Study on the Effect of Social Capital on Industrial Development. *Social Capital Management*, 6(2), 169-195. doi: 10.22059/jscm.2019.275706.1783 [In Persian]
- Sánchez-García, E., Marco-Lajara, B., Seva-Larrosa, P., & Martínez-Falcó, J. (2024). Social capital, cooperation and innovation in the energy sector clusters. *Regional Studies*, 58(4), 805-820. DOI: 10.1080/00343404.2023.2249062
- Sandee, H., & Rietveld, P. (2001). Upgrading traditional technologies in small-scale industry clusters: Collaboration and innovation adoption in Indonesia. *Journal of Development Studies*, 37(4), 150-172. <https://doi.org/10.1080/00220380412331322081>
- Schmitz, Hubert; Vandewey, Khaled (2002). *Industrial Clusters: A New Approach to Industrial Development*, translated by Abbas Zandbaf and Abbas Mokhbar, Tehran: Tarh No [In Persian]
- Setini, M., Yasa, N. N. K., Supartha, I. W. G., Giantari, I. G. A. K., & Rajiani, I. (2020). The passway of women entrepreneurship: Starting from social capital with open innovation, through to

knowledge sharing and innovative performance. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 6(2), 25. <https://doi.org/10.3390/joitmc6020025>

- Sofer, M. and Schnell, I. (2000). Over- and under-embeddedness; failures in developing mixed embeddedness among Israeli Arab entrepreneurs. In: *Embedded enterprise and social capital; international perspectives*. By Michael Taylor and Simon Leonard, eds. Aldershot, Ashgate, pp. 225-248.

- Sowers, J. (2007). Nature Reserves and Authoritarian Rule in Egypt: Embedded Autonomy Revisited. *The Journal of Environment & Development*, 16(4), 375-397. <https://doi.org/10.1177/1070496507309112>

- Torres, A. P., Marshall, M. I., & Sydnor, S. (2019). Does social capital pay off? The case of small business resilience after Hurricane Katrina. *Journal of Contingencies and Crisis Management*, 27(2), 168-181. <https://doi.org/10.1111/1468-5973.12248>

- Trigilia, C. (2001). Social Capital and Local Development. *European Journal of Social Theory*, 4(4), 427-442. <https://doi.org/10.1177/13684310122225244>

- Ul Zia, N., Burita, L., & Yang, Y. (2023). Inter-organizational social capital of firms in developing economies and industry 4.0 readiness: the role of innovative capability and absorptive capacity. *Review of Managerial Science*, 17(2), 661-682. <https://doi.org/10.1007/s11846-022-00539-3>

- Uzzi, B. (1997) *Social Structure and Competition in Interfirm Networks: The Paradox of Embeddedness*. *Administrative Science Quarterly*, 42(1), 35-67. <https://doi.org/10.2307/2393808>

- Yates, V. A., Vardaman, J. M., McLarty, B. D., Kluemper, D. H., & Pollack, J. M. (2024). Bridging the gap: The roles of entrepreneurs' egotism and structural hole occupancy in venture performance. *Journal of Small Business Management*, 1-35. <https://doi.org/10.1080/00472778.2024.2382212>

پایزنشنامه